

سایت به آن سایت و از این توثیت به آن توثیت می‌نویسند: «من کردم، ایرانی نیستم» و... این بخش از هواداران حزب دموکرات کردستان یا «پارتی» عملاً از سران اقلیم حقوق و امتیازات ویژه دریافت می‌کنند و حاضرند دفاتر احزاب دیگر را به آتش بکشند و به قول «هوژین عمر» روزنامه نگار و فعال سیاسی کرد، هر کدام ۲۷۷ رأی به صندوق بیندازند. عمر در دفتر مطالعات فرهنگی سلیمانیه برای من توضیح داد که چگونه بسیاری از صندوق‌ها اصلاً در نداشته و چطور در مناطق مورد مناقشه موضوع را حیثیتی کرده و بغل بغل رأی از پیش نوشته شده به صندوق‌ها ریخته‌اند. او و بسیاری دیگر از کارشناسان معتقدند، در بهترین شرایط، مشارکت عمومی نمی‌تواند بیش از ۴۰ درصد باشد. حال آنکه چند درصد «بلی» و چند درصد «خیر» به صندوق انداخته‌اند نیز جای بحث دارد. آنها می‌گویند وقتی رقیبی در این انتخابات وجود نداشته و ناظری بین‌المللی نیز شاهد جریان رأی‌گیری نبوده، نمی‌توان ادعای پیروزی همه پرس‌ری پذیرفت.

#### ■ اربیل شهری محافظه کار

اربیل چطور؟ آیا در اربیل که مرکز اقلیم است و حزب دموکرات کردستان با مسئولیت مسعود بارزانی در آن فعالیت دارد، نیز نسبت به همه پرس‌ری بی‌تفاوت بوده است؟ ابتدا لازم است بدانید که این شهر جمعیت کمتری نسبت به سلیمانیه دارد و به عکس سلیمانیه جمعیت قابل ملاحظه‌ای از ترکمانان نیز در آن زندگی می‌کنند. جالب است بدانید ترکمانان اربیل، اساساً هسته اصلی و اولیه این شهر را ترکمانی می‌دانند. آنها در بازار نفوذ زیادی دارند اما زبان خود را برای خانه و شب نشینی نگاه می‌دارند نه تجارت. ترکمانان اصالتی ایرانی برای خود قائلند و من با چند ترکمان آشنا شدم که در سال‌های جنگ به ایران پناه آورده و بعد از آن تلاش کرده بودند، این اصالت و اصلیت را برای اخذ شهروندی ایران اثبات کنند و چون مدرک مکتوبی وجود نداشته، موفق نشده بودند. یکی از آنها به نام شعبویی می‌نالد و گله می‌کرد که سال‌ها در تبریز زندگی کرده اما در نهایت مجبور به ترک ایران شده است. دو پسر او فارسی را از هر تهرانی سلیس‌تر حرف می‌زدند.

اربیلی‌ها سایه سنگین اداره «آسایش» یا اطلاعات اقلیم را نیز بر سر خود دارند و از این جهت آموخته‌اند نظر خود را به صراحت اعلام نکنند. با این همه گفت‌وگو با اقشار مختلف و چهره‌های سیاسی در این شهر به من ثابت کرد که اربیلی‌ها نیز چندان روی خوشی به همه پرس‌ری نشان نداده‌اند، مگر هواداران جوان حزب دموکرات و روستائیان، جالب‌ترین بخش ماجرا اینکه حتی در میان طرفداران سرسخت همه پرس‌ری در اربیل نیز، نسبت به ایران و ایرانیان، تندی نیاقتم.

#### ■ مشکلات اقلیم و انتظار از ایران

اقلیم کردستان عراق راهی به دریای آزاد ندارد و اگرچه از نظر ساختمان‌سازی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته اما شهرهای زیبای آن روزانه چند ساعت متوالی با قطعی برق یا به قول کردها «کهربا» مواجه هستند. این درحالی است که حتی اگر ممکن حمام‌ها نیز با برق کار می‌کند. خبری از گاز نیست و آب تصفیه شده با مشکل جدی رو به رو است. شهروندان و صاحبزنان اقلیم می‌دانند سودای استقلال آرمانی دور و دراز است و از همسایگان می‌خواهند این خطای مسئولان را به حساب آنها نگذارند. آنها یک خواسته حیاتی و بزرگ هم از ایران دارند و آن اینکه، این کشور به‌عنوان قدرت منطقه‌ای همچنان که کوشید تا نقشه اقلیم کردستان عراق، تغییر نکند. کماکان حامی اقلیم باشد و اجازه ندهد شرایط به گونه‌ای پیش رود که این منطقه به پیش از ۲۰۰۳ و حیات صدام بازگردد.

نام می‌برد و اشک در چشمش حلقه می‌زد اما همین شخصیت سرشناس که به شوخی خود را «حکومت» می‌نامید، جملات دست و پا شکسته‌ای از فارسی بلد بود که از تماشای فیلمفارسی‌های پیش از انقلاب و ترانه‌های خواننده‌ای آموخته بود که از هر ۱۰۰ تهرانی یک نفر هم نام او را نشنیده است. شاید برای شما جالب باشد که در سلیمانیه و هواداران اتحادیه میهنی که به ایران نزدیک ترند، خانواده مسعود بارزانی را ایرانی می‌دانند. البته این تنها خوانندگان ایرانی نیستند که قلب کردهای اقلیم را به تسخیر درآورده‌اند، بلکه مردم این دیار در هر بیماری نیز ابتدا یاد پزشکان ایران می‌افتند. در سلیمانیه و اربیل کمتر کسی را می‌بینید که یا خود یا یکی از نزدیکانش در ایران بستری نشده باشد؛ عمل چشم، قلب، دیسک، سرطان... آنها در تاکسی‌ها و مغازه‌ها چنان از مطب فلان پزشک در فلان بلوار کرمانشاه یا فلان بیمارستان در تهران حرف می‌زنند که انگار خود ما. در این زمینه نیز پیشنهاد می‌کنم همچنان که دانشگاه‌های ایران به فکر ایجاد شعبه سلیمانیه یا اربیل خود هستند، بیمارستان‌های بزرگ و شرکت‌های داروسازی نیز به فکر «نخوش خانه» یا «خسته خانه» و «درمان خانه»‌های شعبه اقلیم باشند.

#### ■ چرا کردها به همه پرس‌ری پشت کردند؟

پیش از این هم نوشته‌ام که در سلیمانیه و در میان همه سؤال شونده‌های من - حدود ۲۰ نفر- تنها ۲ نفر در همه پرس‌ری شرکت کرده بودند؛ در این میان یک نفر رأی «بلی» و یک نفر رأی «خیر» به صندوق انداخته بود و آنکه رأی «بلی» داده بود، خود را توجیه می‌کرد که نه برای دولت اقلیم، که برای سربلندی «کرد» این کار را کرده است. اما آنهایی که مخالفان برگزاری همه پرس‌ری، از دو طیف کاملاً مجزا بودند: نخست آنهایی که وضعیت اقتصادی را بحرانی می‌دانستند و فکر می‌کردند مسئولان اقلیم به جای چاره‌اندیشی برای مردم، مشغول بازی‌های سیاسی خود هستند.

درواقع رفراندوم همه پرس‌ری به نوعی رفراندوم مشروعیت سران اقلیم نیز بود؛ مشروعیتی از دست رفته به دلیل فساد اقتصادی و بی‌توجهی به معیشت مردم. طیف دوم فعالان سیاسی و دانشگاهیانی بودند که اعتقاد داشتند: «مگر ما کم از یک کشور مستقل بودیم که با ایجاد چنین حساسیتی در منطقه، همه دستاوردهای مان از بین برود؟» فعالان سیاسی کرد اعتقاد دارند، مسعود بارزانی در پایان مسئولیت سیاسی خود، دست به چنین قمار بزرگی زد تا در نقش یک رهبر جدید و در جغرافیایی جدید خود را احیا کند. در واقع او سرنوشت کردستان عراق را به سرنوشت خود گره زد و در نهایت خود را و کردستان عراق را دچار خسارت بزرگی کرد. آیا اربیلی‌ها و کرکوک‌ها نیز چنین برداشتی از همه پرس‌ری داشتند؟

این را باید بدانیم که جمعیت کردها در کرکوک و در کنار ترکمانان شیعه و سنی و اعراب، یک به سه است. البته وقتی از کردهای کرکوک حرف می‌زنیم، از شهروندانی حرف می‌زنیم که بخش مهمی از تاریخ این شهر هستند. شهروندانی که در این سفر با بسیاری از آنها رو به رو شدم و از آنها همان حرف‌هایی را شنیدم که در سلیمانیه؛ ناراضی از سران اقلیم و بی‌اعتماد به راه‌ی پرس‌ری و ایده استقلال. اما در کنار این شهروندان، در طول سال‌های گذشته و با انگیزه به هم زدن بافت جمعیتی به نفع کردها، کسان دیگری با امتیازات ویژه از سایر شهرهای اقلیم و نیز مناطق کردنشین ایران و ترکیه - تحت عنوان پناهنده- در کرکوک اسکان داده شدند که ناچار از شرکت در همه پرس‌ری و در نهایت ناچار از گریز بودند. آنها همان کسانی هستند که در فضای مجازی اعصاب کاربران را به هم می‌ریزند و از این



مردم سلیمانیه جریان همه پرس‌ری را نادیده گرفتند



مردم اربیل بی‌توجه به تنش‌های حزبی و سیاسی



مردم کرکوک شادمان از بازگشت پرچم عراق به این شهر

سیاست درست جمهوری اسلامی در قبال مسائل سیاسی اقلیم، هوادار چپ نو و جهان وطن می‌دانست، او فارسی را با تمام اصطلاحات کوچه بازاریش بلد بود و در مقابل انتقادات من در میانه گفت‌وگو بلافاصله پاسخ می‌داد: «بشین بنییم بابا!» این عجیب‌ترین نمونه بود اما در نمونه‌ای ساده‌تر از انواع به هم ریختگی فرهنگی سیاسی با یک نظامی ترکمان حشد الشعبی در کرکوک آشنا شدم که از سردار قاسم سلیمانی همچون شخصیتی مقدس

مورد سؤال قرار گرفتم تا افسانه‌هایی را که درباره مرتضی ساخته‌اند، رد یا تأیید کنم. به هم ریختگی بخش‌های مجاز و غیرمجاز فرهنگ ایرانی یا گاه به هم ریختگی عشق و ضدیت، برای ما حاصلی جز سرگیجه ندارد. به‌عنوان مثال در خیابان مولوی سلیمانیه با یکی از هواداران پ.ک.ک آشنا شدم که خود را زرتشتی، عاشق ایران، هوادار کردستان بزرگ، مخالف جمهوری اسلامی، مسعود بارزانی و جلال طالبانی، معتقد به

سیار است، هتل بگیرد، باید بگویم ناچارید تا دمیدن آفتاب به صدای خواننده‌های لس آنجلسی که از بلندگوهای مختلف پخش می‌شود، گوش دهید. همچنین در طول روز، اتومبیل‌هایی که از مقابل‌تان می‌گذرند یا کافی شاپ‌های دنج و لوکس، این ترانه‌ها را برای‌تان پخش می‌کنند. در این میان مرتضی پاشایی جایگاه ویژه و تسخیرناشدنی دارد؛ تنها خواننده‌ای که می‌توانم براحتی از او در این متن یاد کنم. بارها و بارها در خیابان‌های سلیمانیه

اینکه عشق به ایران و زبان و ادبیات فارسی در اقلیم کردستان عراق، آنچنان که در ذهن ما تقطیع شده و خط کشی شده است، نیست. آنها منابع الهام فرهنگی خود را دارند و چه بسا این منابع چندان هم به مذاق ما خوش نیاید. یادمان نرود آنها مخاطب صدا و سیما نیستند و چیزی از لغو کنسرت‌ها یا تفاوت ترانه‌های مجاز و غیرمجاز نمی‌دانند. اگر در میدان «سرا» ی سلیمانیه که هر شب تا صبح در قرق دستفروش‌ها و اغذیه فروش‌های

که خود را «بی‌صاحب» توصیف می‌کردند و تکه‌ای ناسازگار که راه حلی برای ادامه حیات نمی‌یابد. می‌دانم برای نوشتن این جملات به بسیاری چیزها متهم خواهم شد اما صادقانه می‌گویم که همه این درد را راننده‌ای این گونه با لحنی دردناک بیان کرد: «ما هیچ راه دیگری نداریم جز اینکه یا ایران به ما کمک کند، یا اینکه یکسره شیمیایی مان کنند که هم خودمان راحت شویم، هم خیال همه از ما راحت شود!» نکته مهمی که باید به آن بپردازم



سلیمانیه... کار و زندگی بدون توجه به چنگ رسانه‌ای



جریان زندگی در کرکوک



جوانان اربیلی در قلعه قدیمی شهر - آنها می‌گویند پس از همه پرس‌ری اعتماد خود را به مسئولان از دست داده‌اند